

گفت‌و‌گو با محمد مسجد جامعی، سفیر سابق ایران در واتیکان

پاپ و بایدن

مشرکات فکری وزمینه‌های همکاری

انتخاب جو بایدن، دومین رئیس‌جمهور کاتولیک آمریکا پس از جان اف. کندی چه تأثیری بر روابط کاخ سفید و واتیکان خواهد داشت؟ بایدن دموکرات و پاپ فرانسیس چه کمکی می‌توانند به هم بکنند؟ پاسخ این سؤالات را با محمد مسجد جامعی، سفیر سابق ایران در واتیکان مطرح کرده‌ایم. به گفته این استاد دانشگاه، با انتخاب دوباره

■ به‌نظر شما پاپ و به‌طور کلی واتیکان چه همکاری یا کمکی می‌تواند به بایدن داشته باشد؟

در شرایط موجود بایدن بیشتر می‌تواند به پاپ کمک کند تا پاپ به بایدن. اما در مورد کمکی که پاپ می‌تواند به بایدن بکند به وضعیت داخلی آمریکا مربوط می‌شود؛ به بایدن هم مربوط نیست، به عدم انتخاب ترامپ مرتبط می‌شود، یعنی اگر ترامپ انتخاب می‌شد وضعیت داخلی آمریکا بشدت قطبی می‌شد یعنی راستگرایان دینی و به اعتباری ناسیونالیست‌های سفید نژادپرست که در دوران ترامپ خیلی هیجان‌زده شدند و حتی تشکیلاتی شدند، با سرعت و شدت جلو می‌رفتند، جریانی که حتی راستگرایان مناطق دیگر، بویژه در امریکا لاتین و هند را تحت تأثیر قرار می‌دادند؛ یعنی راستگرایان دینی کاتولیکال در امریکا لاتین و راستگرایان هندو در هند و حتی راستگرایان انجلیکال را در آسیای دور.

بایدن در چنین شرایطی سرکار می‌آید. یک بخش از این چنین راستگرا به شاخه کاتولیکی‌اش مربوط می‌شود؛ و لذا هم بدنه کاتولیکی در دوران ترامپ و هم بدنه شورای اساقفه و شخصیت‌های دینی امریکا تا مقدار زیادی راستگرا شدند و این نوعی شکاف را در کلیسای کاتولیک امریکا ایجاد کرد. اگر ترامپ انتخاب می‌شد این شکاف عمیق‌تر می‌شد و گسترش بیشتری هم پیدا می‌کرد؛ اما با انتخاب بایدن و با موضعی که پاپ در قبال راستگرایان کاتولیکی دارد، عملاً موضوع به پاپ راستگرایان کاتولیک تضعیف می‌شود و جلوی آن تفرقه و شکاف تا مقدار زیادی گرفته می‌شود. بنابراین پاپ در موقعیتی که قرار دارد عملاً می‌تواند به انسجام جامعه امریکا خصوصاً در آنجا که مربوط به بخش کاتولیکی‌اش می‌شود، کمک کند و این خدمت بزرگی به بایدن است.

■ حال اگر از نقطه مقابل نگاه کنیم بایدن چگونه می‌تواند به پاپ کمک کند؟ چنانچه در پی انتخاب بایدن به ریاست جمهوری، شاهد تبریک بسیار گرمی از سوی پاپ فرانسیس به او بودیم، دلایل این استقبال چیست؟

نکته اصلی در اینجا بازی می‌گردد به داخل جامعه امریکا و چنانچه گفته شد جلوی آن شکافی که اگر ترامپ انتخاب می‌شد گسترش و عمق می‌یافت، گرفته شد و اسقف‌هایی چون ویگانو که جلوی پاپ می‌ایستادند و مورد پشتیبانی ترامپ هم بودند، موقعیت خود را حداقل در حال حاضر هم در بدنه کلیسای کاتولیک و هم در بین شخصیت‌های دینی کلیسای کاتولیک از دست دادند. لذا انتخاب بایدن و اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، عدم انتخاب ترامپ، به انسجام کاتولیک‌ها کمک می‌کند.

نکته دوم این است که آن شر و شوری که کلیسای انجلیکال در دوره ترامپ پیدا کرد، کم شد و با انتخاب بایدن به مراتب بیشتر کم شد. انجلیکال‌ها دو خاصیت دارند؛ یکی اینکه شدیداً ضد پاپ و ضد کلیسای کاتولیک بودند و حتی صریحاً توهین می‌کردند و نکته دوم این است که آنها این قدرت را داشتند که کاتولیک‌های موجود در امریکا را تحت تأثیر قرار دهند و با انتخاب بایدن این قابلیت می‌شود. این در داخل امریکا. اما در خارج امریکا، در درجه اول در امریکا لاتین، در طی دوران ترامپ انجلیکال‌های داخل امریکا لاتین و پشتیبان‌های آنها خیلی امریکای لاتین را تحت تأثیر قرار دادند تا جایی که در مهم‌ترین کشور یعنی برزیل، نماینده راستگرایان «بولسونارو» پیروز شد، با اینکه برزیل همیشه در دست گروه‌های ترقی‌خواه و چپ بود. این جریان را در کشورهای دیگر هم می‌بینیم بویژه در گواتمالا یا حتی بولیوی.

بنابراین آن آوج‌گیری خیلی کم می‌شود و اینها ضد کلیسای کاتولیک و ضد پاپ بودند. این جریان را با یک تفاوت‌هایی در آفریقای سیاه و آسیای دور هم شاهد بوده و هستیم.

■ س به‌نظر شما زمینه مورد همکاری این دو مربوط به عدم انتخاب ترامپ و جلوگیری از گسترش وهیجانات کاتولیک‌هاست؟
است عامل است، یکی عدم انتخاب ترامپ است و خیلی به بایدن ربطی ندارد و مهم این است که ترامپ انتخاب نشده است و دوم

دونالد ترامپ، روند راستگرایی بدنه کاتولیکی عمیق‌تر می‌شد اما با انتخاب بایدن و با موضعی که پاپ در قبال راستگرایان کاتولیک دارد، عملاً موضع راستگرایان کاتولیک تضعیف شده و پاپ در موقعیتی قرار می‌گیرد که به انسجام جامعه امریکا کمک می‌کند و این کمک بزرگی به بایدن است.

پاپ یک موجود استثناست در تاریخ پاپ‌های حداقل یک قرن اخیر. برای نمونه ژان بیست و سوم، پاپ خیلی محبوب بود و هنوز هم محبوب و معروف است که بایدن تحت تأثیر شخصیت اوست، با پاپ پل ششم یک فرد فرهیخته‌ای بود و با فرهنگ روشنفکری اروپا خیلی آشنا بوده است. این پاپ موجود استثنایی بودنش به دلیل هم میانی فکری‌اش است و هم میانی رفتاری‌اش. به لحاظ فکری بهتر است با توجه به یسوعی (ژوئیت) بودن او فهمیده شود. براساس تجربه‌ای که من داشتم به‌سویعیان هستند و ویژگی مهم‌شان اعتقاد عمیق‌شان به حقانیت خودشان و اهمیت زیاد به سلسله مراتب کلیسایی و میراث آبا کلیساست. اما در عین حال به روز هستند یعنی آشنایی آنها با تمدن جدید و روند تحولات آن می‌توان گفت پیش از بخش‌های دیگر کلیسای کاتولیک است و به اعتباری نخبران فرهنگی و فکری هستند، لذا حتی در بین اروپایی‌های منتقد از کلیسای کاتولیک، به اعتبار این نوع تیزهوشی و به‌روز بودن، دارای نفوذ زیادی هستند. برای نمونه مجله ماهانه معروفی دارند به نام «تمدن کاتولیکی» یا «چیویتا کاتولیکا» که مجله‌ای دینی و اجتماعی و فرهنگی است.

تجربه‌شان مربوط می‌شود به دو مورد مهم. مورد اول زمانی است که ترامپ کاندید شده بود، وی سخنانی گفت که پاپ اظهار داشت که کسی که مسیحی است چنین سخنی نمی‌گوید، ترامپ نیز واکنش نامناسبی نسبت به پاپ داشت و البته این در زمان ریاست جمهوری‌اش نبود، اما مورد دوم مربوط می‌شود به زمان ریاست جمهوری ترامپ، پاپ در مورد مسائل و مشکلات مهاجرانی که از مرز مکزیک وارد امریکا می‌شدند که ترامپ علیه این اقدامات کرده بود، سخنانی گفت که با واکنش بی‌ادبانه ترامپ مواجه شد.

■ جدای از بحث بایدن و پاپ آیا انجلیکال‌ها شانس دوباره‌ای برای به‌دست آوردن قدرت دارند؟
امریکا دیگر آن ثبات و آرامش گذشته را از دست داده است و شرایطش هم به نوعی نیست که این گسل‌ها براحتی درمان یا کم شود. یکی از علل مهم مسأله چین است و اینکه رشد چین، کارگر امریکایی و صنایع کوچک و حتی متوسط امریکایی را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده و می‌دهد. نکته بعدی این است که به دلیل رشد فوق‌العاده چین در زمینه صنایع الکترونیکی حتی بخش‌های توسعه یافته صنایع امریکا در بخش صنایع الکترونیکی را هم به چالش می‌کشد. نتیجه این می‌شود که طبقه متوسط و امریکایی‌های بین متوسط و فقیر که عموماً به دلایل اقتصادی طرفدار ترامپ بودند، آنها در دوره

بایدن و از این به بعد در مجموع موقعیت اقتصادی بهتری را به‌دست نمی‌آورند. نکته دیگر این است که این اندیشه که امریکا از آن سفیدپوستان پروتستان است و دیگران، شهروندان اصلی نیستند، در دوران ترامپ خیلی مقبولیت پیدا کرد و حتی می‌توان گفت نهادهین شد و البته این اندیشه مخالفان مهمی هم دارد که عموم این مخالفان کسانی هستند که به بایدن رأی دادند. لذا امریکا شرایط بانمایی را در آینده نخواهد داشت و این خیلی مرتبط نیست با اینکه چه کسی رئیس‌جمهوری شود، بایدن یا غیر بایدن؛ البته سیاست‌های کسی که انتخاب می‌شود تا حدودی تأثیرگذار هست ولی مطلقاً تأثیرگذار نیست.

■ چه ویژگی‌هایی شبیه به این امور را در بایدن می‌بینید؟

در مورد بایدن یک مقدار توضیح مشکل است، زیرا تلقی‌ای که ما از افراد مذهبی داریم یا این تلقی هم‌هنگ نیست. او تربیتی عمیقاً کاتولیکی دارد. اما این تربیت در جامعه امریکا اتفاق افتاده است و در نتیجه ویژگی‌های کاتولیسیسم امریکایی دارد. به این معنی که ملزم به عبادت‌های هنگی و ملزم به اخلاق کاتولیکی در محدوده فردی است و در عین حال اصول و ارزش‌های سکولارستی را پذیرفته است.

■ در پایان مصاحبه‌ای که چندی پیش درباره سفر پاپ به عراق از جناب‌عالی منتشر شد اشاره‌ای به رابطه بین پاپ و بایدن داشتید و بایدن را کاتولیکی معرفی کردید که اخلاق کاتولیکی فرانسیسی دارد. لطفاً در مورد این ویژگی کمی توضیح دهید.

پاپ یک اخلاق کاتولیکی و ایمان کاتولیکی تمایزی وجود دارد. این نکته را با توجه به شرایط موجود، یعنی سال ۲۰۲۱ توضیح می‌دهم. در حال حاضر ایمان کاتولیکی به یک سلسله مسائل، فوق‌العاده حساسیت دارد و ملایک خوب بودن را التزام به آن مسائل می‌داند که عمدتاً مربوط می‌شود به اخلاق جنسی. حال از ممنوعیت سقط جنین گرفته تا ممنوعیت استفاده از هرگونه وسایل جلوگیری از باردار شدن ختنه‌ها و مفهوم خانواده تا احیاناً کشیش شدن زن‌ها. مثلاً ۱۰۰ سال قبل ایمان کاتولیکی حساسیت‌های دیگری داشت یا در دوران شکوفایی جنبش پروتستانی در قرون شانزدهم و هفدهم با ویژگی‌های دیگری داشت. اما در حال حاضر اینگونه‌است.

اما مفهوم اخلاق کاتولیکی در حال حاضر، این اخلاق تفسیرهای متفاوتی دارد؛ مثلاً کاتولیک‌های راستگرای امریکایی آن را یکجور معنا می‌کنند و دیگر کاتولیک‌های اروپایی یا کرده‌ای آن را به‌گونه‌ای دیگر معنا می‌کنند. آنچه مهم است در نتیجه کاتولیک‌ها نمی‌توانند خیلی

است اخلاق کاتولیکی است براساس تفسیر بایدن صحبت کنید.

فرانسیس، یعنی پاپ موجود که عمدتاً به صلح و عدالت اجتماعی، محیط زیست، حمایت از فقرا، فهم کتاب مقدس با توجه به مشکلات امروز، این می‌شود اخلاق کاتولیکی آن‌گونه که توسط فرانسیس و طرفدارانش فهمیده می‌شود. تلقی بایدن از کاتولیسیسم به این تفسیر نزدیک و بلکه خیلی نزدیک است.

نکته دیگر در مورد پاپ موجود، این است که بدون اینکه بیان یا تصریح کند عملاً سکولاریسم را در نوع غیرافراطی‌اش پذیرفته است. البته بقیه پاپ‌ها هم پذیرفته بودند، اما در او این ویژگی خیلی بارزتر است.

■ به مسأله رنگین‌پوست‌ها و حمایت از آنها در این اخلاق کاتولیکی امروزی چه مقدار توجه شده است؟

یکی از نکاتی که پاپ خیلی بر آن تأکید می‌کند و آخرین کتابش هم به این نام است «ما برادر هستیم» و این از نکاتی است که در هر ناسیستی بر آن تأکید می‌کند و اصلاً سندی هم که با شیخ ازهر، «احمد الطیب» امضا



کرد عنوانش برادری انسانی است و در مورد برادری انسان‌های مختلف صحبت می‌کند.

■ شما در بحث راستگرایی دینی فرمودید که ویژگی نژادپرستی انجلیکال‌ها و برخی دیگر از ویژگی‌هایشان ناشی از روح امریکایی آنهاست، آیا در بین کاتولیک‌های امریکایی این ویژگی‌ها دیده نمی‌شود؟

در این زمینه خیلی از هم جدا نیستند و بالاخره آن ویژگی امریکایی بودن که تمایل به ماجراجویی و ریسک کردن دارد و امثال این ویژگی‌ها را کاتولیک‌ها هم دارند. موضوع این است که آن حالت‌های استثنایی و غیر طبیعی که معمولاً در کلیسای انجلیکال یافت می‌شود، این ویژگی امریکایی بودن موجب تشدید آن ویژگی‌ها می‌شود. فرض کنید اینکه یک نفر در اوایل شیوع کرونا بگوید که این کلیسا هرگز بسته نمی‌شود و از مؤمنان خالی نمی‌شود و من به‌دلیل ایمانم به عیسی مصون هستم و کرونا به من آسیب نمی‌زند و چند روز بعد با این بیماری فوت می‌کند، یا کشیش دیگری که با یک مار سمی بازی می‌کند و می‌گوید به‌دلیل اعتقاد من به عیسی این مار من را نیش نمی‌زند و در عرض چند دقیقه در اثر نیش آن مار و در برابر چشم‌شان حیرت زده شرکت‌کنندگان مراسم در کلیسا فوت می‌کند، این حالت را در اروپا نمی‌بینید. لذا خصوصیات جامعه امریکا این ویژگی‌ها را عمیقاً تشدید می‌کند. در مورد کاتولیک‌ها این ویژگی‌ها در مفهوم انجلیکالی‌اش وجود ندارد، اما واقع این است که یک کاتولیک امریکایی هم تربیت امریکایی دارد و در همین فرهنگ رشد کرده و در هر صورت ویژگی‌هایی مانند ریسک‌پذیر بودن امریکایی دارد. اما این نکته را باید گفت که یکی از ارکان اندیشه نژادپرستانه امریکایی عمیق سفید پوست بودن و پروتستان بودن است. لذا پروتستان بودن خود یک عامل مهم برای این اندیشه است، در نتیجه کاتولیک‌ها نمی‌توانند خیلی نژادپرست شوند.

■ با توجه به مشترکات فکری و اخلاقی بایدن و پاپ این دو در چه زمینه‌هایی می‌توانند با یکدیگر همکاری داشته باشند؟

تا الان در مورد مشترکات فکری و به نوعی اعتقادی بایدن به‌عنوان رئیس‌جمهوری امریکا و پاپ صحبت کردیم، حال موضوع در این است که اینها چطور می‌توانند باهم همکاری کنند. نوعی سابقه همکاری بین

پاپ‌ها و امریکا وجود دارد. یک مورد مربوط به همکاری آنهاست در جلوگیری از نفوذ یافتن بیش از حد اندیشه‌ها و احزاب کمونیستی در مناطق مختلف دنیا، بویژه در سرزمین‌های کاتولیک نشین خصوصاً در اروپا و به‌طور ویژه در ایتالیا. این همکاری مربوط به سال‌های بعد از جنگ دوم است و در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ بشدت ادامه پیدا می‌کند. نمونه دیگر آن همکاری ژان پل دوم، که اصلاً لهستانی است و دولت ریگان در حمایت از جنبش «سولیدارنوش» در لهستان و همکاری آنها به هدف نفوذ در کنوهای بلوک شرق.

در حال حاضر شرایط جهانی و شرایط مجموع کلیسای کاتولیک و واتیکان و



لطفاً این اشتقاق درونی کاتولیکی را توضیح دهید.

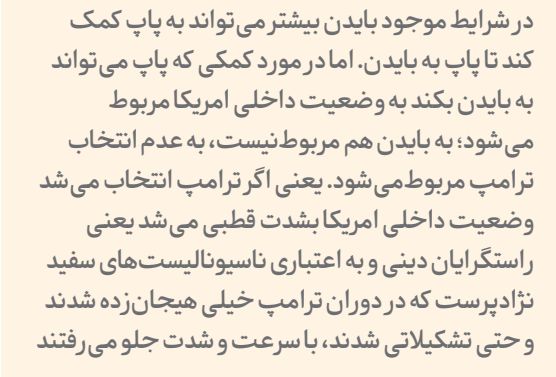
زمینه‌های این اشتقاق مربوط به قبل از ترامپ است اما در دوران او شدت گرفت و عملاً جامعه کاتولیک امریکا و همچنین شخصیت‌های دینی امریکا می‌توان گفت دو شاخه شدند. شاخه‌ای که به پاپ موجود در کلیت خودش وفادار ماند و شاخه‌ای که تحت تأثیر «ویگانو» و اساقفه‌ای که کمابیش همفکر او بودند، قرار گرفت. دولت ترامپ به‌صورت تعمدی این تعارض را شدت داد؛ نمونه خوبی خود شخص ترامپ است که بشدت از ویگانو طرفداری می‌کرد و نمونه دیگر مربوط به «پمپئو» است که در ماه‌های آخر ریاست ترامپ و قبل از انتخابات ریاست جمهوری به رم می‌رود و پاپ او را نمی‌پذیرد و حرف‌های غیر دیپلماتیک و تند را نسبت به پاپ بیان می‌کند. حال این دو نمونه است و مجموعه این دولت تا پاپ مشکل داشت و او را چپ‌گرا می‌دانست و این عملاً توهین‌آمیزترین عبارتی است که در امریکا می‌توانند به کسی بگویند. گروه‌های مخالف پاپ خصوصاً در اموری که خودشان را کم‌توجهی به مسأله «اخلاق جنسی کاتولیکی» می‌دانستند، حساس بودند و به‌عبارتی آن را بهانه می‌کردند. مورد دیگر سیاست‌از‌نظر آنها، بیش از حد ملایم واتیکان نسبت به چین بود که «پمپئو» چند بار به آن اشاره کرد. این فکر بیش از آنکه بدنه کاتولیکی را تحت تأثیر قرار دهد، شخصیت‌های کاتولیکی را متأثر می‌کرد و البته علت آن هم این بود که اساقفه و کشیشان ناراضی از پاپ موجود، از رفتارهای ضد تبعیض و ضد فقرا، ناراحت بودند. بنابراین طبعی است که فردی مانند بایدن که به لحاظ اخلاق کاتولیکی به فرانسیس نزدیک است، را نرسندند و از او انتقاد می‌کنند.

■ برخی از سایت‌های غربی به نتایج احتمالی همکاری بایدن و پاپ فرانسیس، بویژه در زمینه بحران تغییر اقلیم، بسیار امیدوارند.

ارزیابی حضرت‌عالی از این مسأله چیست؟
بله. خیلی این دو یعنی پاپ و دولت موجود امریکا و نه فقط دولت بلکه هواداران دارند. موجود، دغدغه‌های محیط زیستی دارند. برعکس طرفداران ترامپ که یکی از انتقاداتشان به آنها این است که شما چرا این مقدار محیط زیستی Environmentalist نیستید. اما واتیکان چنان که گفته شد قدرت فیزیکی مهمی نیست و این شخصیت‌های دینی، که عملاً از پاپ نمونه‌چندی پیش خاتم مرگ گفته بود که ما به چین مشکلات زیادی داریم اما در عین حال منافع مشترکی داریم و در مورد حل مسائل محیط زیستی به همکاری چین نیاز داریم. چین و امثال چین قدرت بزرگ مادی هستند که می‌توانند با امریکا در این امور همکاری کنند اما واتیکان که به این صورت نیست، ولی به‌هرحال با توجه به موقعیتی که پاپ موجود در بین گروه‌های فراوان و وسیع الطیفی که در غرب وجود دارد و اینها دغدغه‌های محیط زیستی دارند، یک عامل «هم‌افزا» است و زمینه‌ساز خوبی است و چنانچه گفتیم قدرت مادی نیست و نباید در این مورد اغراق شود.

■ آیا اصل انتخاب بایدن و نیز هماهنگی او با پاپ می‌تواند نتایج مثبتی برای منطقه خاورمیانه داشته باشد؟

به این سؤال می‌توان از جهت دیگری پاسخ داد و آن مسأله عدم انتخاب ترامپ است و مسأله اصلی در اینجا این است که ترامپ انتخاب نشد و طرفدارانش که انجلیکال‌های راستگرا و ناسیونالیست‌های نژادپرست بودند به قدرت نرسیدند. مطمئناً اگر آنها به قدرت می‌رسیدند، شرایط خیلی متفاوت می‌شد. یک‌بار سفیر دولت ترامپ در اسرائیل «فریدمن» صریحاً گفت که اگر دولت ترامپ صد سال آینده تغییر خواهیم داد و این حرف را به شکل دیگری نیز «تانیاهو» بیان کرده است. بنابراین مسأله بایدن نسبت مسأله «فرانسیس، رئیس‌شورای اساقفه امریکا» خوره گومز» با بیان بسیار سrdی به استقبال او رفت



■ چه موانعی می‌تواند برای همکاری این دو وجود داشته باشد؟

این موانع از هر دو طرف است. یعنی هم بایدن مشکلاتی برای همکاری با فرانسیس دارد و هم پاپ برای همکاری با بایدن. مشکلاتی که بایدن دارد عمدتاً مربوط به مشکلات داخلی خودش در درون امریکا می‌شود و گروه‌هایی که به‌طور مستقیم و یا غیر مستقیم تحت تأثیر ترامپ و ترامپیسم هستند. آنها در همه موارد برای اجرای سیاست‌های بایدن مشکل ایجاد می‌کنند و در آینده که شرایط با ثبات‌تری بیابند، مشکلات بیشتری را ایجاد می‌کنند و بایدن می‌باید این واقعیت‌ها را در نظر بگیرد و بنابراین امکان همکاری‌اش با پاپ به‌طور طبیعی محدود می‌شود. البته بخشی از مشکلات ناشی از اشتقاقی است که در بدنه کلیسای کاتولیک اتفاق افتاده و کاتولیک‌هایی هستند، بویژه اسقف‌های کلیسای کاتولیک پیذیرد (اجمالاً) آنها خواهان کلیسای کاتولیکی یوانی هستند که تابع قوانین چین باشد و نه تابع واتیکان. و این برای امریکا یک قریب و بلکه یک تهدید بزرگ است و روش مقابله امریکا با چین در زمان بایدن با دوره ترامپ فرق می‌کند. البته این دو سعی می‌کنند در مورد چین از هم فاصله بگیرند بویژه واتیکان از امریکا فاصله بگیرد که موجب تحریک سوءظن چینی‌ها نشود اما زمینه مناسبی برای «همکاری نرم» است. موارد سیاسی دیگرش در درجه اول به امریکای لاتین و تا اندازه‌ای به اوکراین مربوط می‌شود.

زمینه دیگر همکاری به مسائلی مربوط می‌شود که در معنی عام به محیط زیست برمی‌گردد. البته واتیکان دارای قدرت اجرایی نیست ولی یک قدرت نرم نامحسوس است. برای مثال قبل از شیوع کرونا کنفرانسی در واتیکان تشکیل شد در مورد هوش مصنوعی. تمام کمپانی‌های بزرگ کاترونیک از اپل گرفته تا سامسونگ و ال‌جی وحتى